

پژوهش‌های حقوقی

شماره ۲

هزار و سیصد و هشتاد و یک - نیمسال دوم

مقالات

- تعهدات آگاهانه در قراردادهای واگذاری معادن
- مقدمه‌ای بر مطالعه اصول حاکم بر صلاحیت کیفری در حقوق جزای بین‌الملل
- استقرار دیوان کیفری بین‌المللی: بیمها و امیدها
- محدودیت‌های حقوق مالکانه اشخاص در قوانین و مقررات شهرداریها
- تأملی بر بیع متقابل در قراردادهای نفتی ایران
- نقدی بر طرح مواد کمیسیون حقوق بین‌الملل در مورد مسؤلیت دولتها
- حمایت از حق خلوت آدمیان در عصر اطلاعات

موضوع ویژه: ضرورت بازنگری در قوانین ناظر بر چک

- تاریخچه و ضرورت اصلاح قوانین ناظر بر چک
- میزگرد راجع به اصلاح قانون چک
- حفظ یا حذف جنبه کیفری صدور چک بلامحل‌سازی و مطالعات فرسنگی
- مقررات چک در قانون تجارت مصر (مصوب ۱۹۹۹)

رتال جامع علوم انسانی

نقد و معرفی

- قانون اصلاح قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب مصوب
- انجمن حقوق خصوصی ایران
- مؤسسه بین‌المللی یکنواخت کردن حقوق خصوصی (UNIDROIT)





http://jlr.sdil.ac.ir/article_44892.html

تاریخچه و ضرورت اصلاح قوانین ناظر بر چک*

دکتر بهروز اخلاقی

از سال ۱۳۱۱ که قانون تجارت ایران به تصویب رسید تا امروز تنها سند تجاری که بارها دستخوش تغییر و تحول تقنینی قرار گرفته چک می‌باشد. شاید مبالغه نباشد اگر بگوییم که هیچ سند تجاری و هیچ موضوعی تا به این اندازه در طی هفتاد سال دوره تقنینی کشور در معرض تغییر و دگرگونی قرار نگرفته است.

جهت مزید اطلاع باید عرض کنم که اولین بار از چک در قانون تجارت سال ۱۳۱۱ سخن به میان آمد. در این قانون چک به عنوان یک فرد یا مصداقی از اسناد تجاری به معنای خاص (برات و سفته) قرار گرفت ولی خیلی زود در فاصله یک سال به علت رواج روزافزون چک به عنوان سند پرداخت نقدی قانونگذار متوجه شد که مقررات حقوقی قانون تجارت تکافوی مقتضیات چک در آن زمان نیست، بنابراین به فاصله یک سال از تاریخ تصویب قانون تجارت در سال ۱۳۱۱ ماده ۲۳۸ مکرر به قانون مجازات عمومی اضافه شد که صدور چک بلامحل را مشمول جرم کلاهبرداری قرار داد. این اولین تغییر در قانون چک بود که بدان جنبه‌های کیفری اضافه کرد.

قانون تجارت تا سال ۱۳۳۱ به حیات خود ادامه داد و در این سال قانونگذار با توجه به توسعه روزافزون گردش چک در بین مردم اعم از تجار، کسبه، کارمندان و

* سخنرانی آقای دکتر بهروز اخلاقی (استاد دانشگاه تهران) که به همت انجمن حقوق خصوصی ایران در تاریخ ۱۳۸۰/۱۲/۱۴ در مؤسسه مطالعات و پژوهشهای حقوقی شهردانش برگزار گردید.

افراد عادی قانون صدور چک را به تصویب رساند. این قانون مشتمل بر ۱۲ ماده و ۵ تبصره برای اولین بار چک‌های صادره بانک‌های ملی ایران و سایر بانک‌ها و مؤسسات اعتباری را در حکم اسناد رسمی لازم‌الاجراء اعلام کرد و مبتکر یک سلسله نوآوری‌هایی در قلمرو چک شد از جمله این که به جنبه کیفری چک بهایی بیشتر داد و چک جنبه کیفری پیدا کرد و برای اولین بار در قانون صدور چک (مصوب ۱۳۳۱) صدور چک بلامحل خود مستقلاً عنوان مجرمانه پیدا کرد و از جرائم عمومی به حساب آمد به عبارت دیگر یعنی اگر کسی چک بلامحل صادر می‌کرد حتی اگر شاکی هم گذشت می‌نمود جنبه عمومی چک به جای خود باقی بود. ثانیاً برای این که از حجم دعاوی راجع به چک تا اندازه‌ای کاسته شود و در رسیدگی به انبوه دعاوی که در آن زمان وجود داشت تسریعی به عمل بیاید رسیدگی به دعاوی چک مشمول دادرسی اختصاری قرار گرفت و دعوی جعل و استفاده از سند مجعول و غیره را در چک مورد توجه قرار داد. این قانون چند سال به حیات خود ادامه داد تا در سال ۱۳۳۷ قانون دیگری به تصویب رسید و به اجراء گذاشته شد. قانون ۱۳۳۷ نیز درباره چک به تفصیل صحبت‌هایی کرده و نوآوری‌هایی در حد خود داشته است. در سال ۱۳۴۴ مجدداً قانون دیگری به نام قانون صدور چک به تصویب رسید. این قانون مشتمل بر ۱۹ ماده در نوع خود قانونی کامل بود و از نقطه نظر مسائل عملی چه از باب اجرای اسناد رسمی، چه از طریق حقوقی و چه ضمانت‌های اجرای کیفری نوآوری‌هایی داشت. یکی از نوآوری‌های قانون ۱۳۴۴ نسبت به قانون ۱۳۳۱ این بود که جنبه عمومی از چک برداشته شد و صدور چک بلامحل مشمول جرائم خصوصی قرار گرفت. به عبارت دیگر یعنی اگر چک بلامحل صادر شد صادرکننده مرتکب جرمی شده که با گذشت شاکی خصوصی قابل ختم رسیدگی است. بنابراین ما شاهد تحولی در روند تقنینی چک هستیم که جنبه عمومی کنار می‌رود و جنبه خصوصی جرم جایگزین می‌شود. در واقع شاید این تصمیم قانونگذار برای این بود که متوجه شدند که بسیاری از زندانی‌ها (در سال ۱۳۴۴) افرادی هستند که به خاطر صدور چک بلامحل به زندان افتاده‌اند. و به لحاظ

جنبه عمومی جرم حتی با گذشت شاکیان باز هم در زندان باقی می‌ماندند. برای این که زندان‌ها را خلوت کنند و به دعاوی بی‌شمار صدور چک‌های بلامحل خاتمه بدهند جنبه خصوصی برای آن قائل شدند که با گذشت شاکی خصوصی دعوا فیصله یابد و به نوعی از بار سنگین دعاوی دادگستری و بار زندان‌ها کاسته شود.

در تیرماه سال ۱۳۵۵ قانونی تحت عنوان قانون صدور چک به تصویب رسید که با این قانون تمام قوانین قبلی راجع به چک نسخ شد. می‌توان گفت این قانون در نوع خود بهترین قانونی بود که از تاریخ تصویب قانون تجارت در سال ۱۳۱۱ در زمینه چک به مرحله تصویب و اجراء رسیده بود.

قانون ۱۳۵۵ که سال‌ها ملاک عمل قانونگذار، قضات و مردم بود به دلیل شرایط خاص حاکم بر آن زمان و برای حل مشکل دادگستری آن دوره (که به آن مشکل شرخرهای دادگستری می‌گفتند) وضع شد و ابتکاراتی در آن ملحوظ شد. از جمله این که اعلام شد حق شکایت کیفری منحصرأً به دارنده چک یا قائم مقام قهری وی تعلق دارد و چک‌هایی که پس از مراجعت از بانک به دیگری منتقل شود غیرقابل تعقیب کیفری است. در واقع این یک نوآوری بود برای کوتاه کردن دست «شرخرها» به این معنا که اگر چکی از بانک برگشت دیگر این چک مثل چک عادی معتبر قابل انتقال بغیر نیست. بعد از آن به علت حجم روزافزون دعاوی راجع به چک مقرراتی تعبیه شد که رسیدگی به چک تابع وسایل بهتر و راحت‌تری باشد. یکی دیگر از مسائلی که در این قانون باید به عنوان یک نوآوری تلقی شود این است که در ماده ۹ این قانون، صدور چک با علم به انسداد حساب در حکم صدور چک بلامحل و قابل تعقیب کیفری اعلام شد. یکی از مسائل دیگری که باز به عنوان یک اصل در این قانون به رسمیت شناخته شده، این است که چک در دست صادر کننده دلیل پرداخت وجه آن به حساب می‌آید و اماره انصراف شاکی از شکایت می‌باشد. علاوه بر اینها در این قانون سه طریق اجرایی برای وصول وجه چک پیش‌بینی شده بود. طریق حقوقی، طریق اجرایی و طریق کیفری.

قانون مزبور تا سال ۱۳۷۲ به حیات خود ادامه داد. در سال ۱۳۷۲ بعد از

حدود ۲۰ سال متوجه شدند که این قانون هم دارای نارسایی‌ها و نواقصی است از این جهت اصلاحاتی در این قانون به عمل آوردند از جمله راجع به ماده ۱۲ که یکی از مسائل حساس چک می‌باشد. قانون صدور چک در سال ۱۳۵۵ می‌گوید هرکس چک بلامحل بکشد تحت شرایط قابل تعقیب کیفری است از جمله در ماده ۲ قانون صدور چک مصوب ۱۳۵۵ که بعداً تغییراتی پیدا می‌کند می‌گوید: «صادر کننده چک باید در تاریخ صدور معادل مبلغ چک در بانک محل نقد یا اعتبار قابل استفاده داشته باشد و نباید تمام یا قسمتی از وجهی را که به اعتبار آن چک صادر کرده است به صورتی از بانک خارج نماید یا دستور عدم پرداخت وجه چک را بدهد و نیز نباید چک را به صورتی تنظیم نماید که بانک به عللی از قبیل عدم مطابقت امضاء یا قلم‌خوردگی در متن چک یا اختلاف در مندرجات چک و امثال آن از پرداخت وجه چک خودداری نماید». و در ادامه جمله‌ای اضافه می‌کند که این جمله در واقع ماحصل سال‌ها اختلافاتی است که در قلمرو چک وجود داشت: «هرگاه در متن چک شرطی برای پرداخت ذکر شده باشد بانک به آن شرط ترتیب اثر نخواهد داد». این نکته برای خاتمه دادن به رویه نامأنوس و غلطی بود که بر آن اساس تمام دارندگان دسته‌چک وقتی چکی صادر می‌کردند برای آن شرط و شروط قرار می‌دادند به شرط تحویل جنس، به شرط آمدن فلانی از حج، به شرط ازدواج فلانی با فلانی و قس علی ذلک. و هرگاه هم مسأله عدم پرداخت چک مطرح می‌شد به عدم تحقق شرط اشاره می‌کردند. برای این که در این سند تجاری شرطی قید نشود اعلام شد هر شرطی که در چک گذاشته شود از سوی بانک کأن لم یکن تلقی خواهد شد. دستور داده شد که این مطلب پشت دسته چک‌ها نوشته شود که به شرط ترتیب اثر داده نخواهد شد. بعد در ماده ۱۲ که بعدها نقطه کور و گره این قانون و مواد بعدی سایر قوانین شد آمد که هرکس چک بلامحل صادر کرد مشمول مجازات می‌شود و این قدر جریمه دارد و این قدر هم حبس دارد.

با این حال در ماده ۱۲ اضافه کرد که در موارد زیر صادر کننده چک از نظر این قانون قابل تعقیب کیفری نیست و این ماده حدود بیست سال است که محل نزاع

حقوقدانان، دادگاه‌ها و مردم می‌باشد متن ماده به این شرح است: «در موارد زیر صادر کننده چک از نظر این قانون قابل تعقیب کیفری نیست:

- ۱- در صورتی که ثابت شود چک سفیدامضاء داده شده است.
 - ۲- هرگاه در متن چک وصول مبلغ آن منوط به تحقق شرطی شده باشد.
 - ۳- هرگاه در متن چک قید شده باشد که چک بابت تضمین انجام معامله یا تعهدی است.
 - ۴- هرگاه بدون قید در متن چک ثابت شود که وصول وجه آن منوط به تحقق شرطی بوده یا چک بابت تضمین انجام معامله یا تعهدی است.
- ۵- در صورتی که ثابت شود چک بدون تاریخ صادر شده یا تاریخ واقعی صدور چک مقدم بر تاریخ مندرج در متن چک باشد (چک‌های وعده‌دار).

هدف این ماده در واقع این بود که مردم از چک به عنوان یک وسیله پرداخت نقدی استفاده کنند، چک قائم مقام پول بشود و نیازی نباشد که مردم برای انجام معاملاتشان از وجه نقد استفاده نمایند. به عبارت دیگر می‌خواستند به چک آن اصلاتی را بدهند که همه اسناد تجاری دارند. به واقع رسالت اولی و اصلی چک این است که بین مردم به اعتبار قائم مقامی پول رواج پیدا کند و پول به عنوان وجه نقد باید برای امر تولید، کشاورزی و غیره به بانک‌ها برود و درست نیست که در کشوری وجه نقد بین مردم رایج شود و هر کشوری که مردم آن در معاملات از وجه نقد استفاده کنند این امر حاکی از آن است که اقتصاد آن کشور بیمار است و پول آن رسالتی را که به عهده‌اش است، انجام نمی‌دهد. برای این که چک بتواند چنین رسالتی را انجام بدهد مقرر کردند که چک نباید مشمول این عناوین باشد. چک وعده‌دار، چک تضمینی، چک مشروط، چک مؤخر و چک‌هایی که وصول آنها به نوعی منوط به تحقق شرطی می‌باشد، چک‌های قابل تعقیب کیفری نمی‌باشند.

با ادامه حیات این قانون ما دوباره شاهد انبوهی از دعاوی در دادگستری می‌شویم که صادر کنندگان چک‌ها در مقام دفاع از خود و برای فرار از تعقیب کیفری به یکی از این بندها و شروط استناد می‌کنند که چک من [مثلاً] چون مشروط است،

یا چون وعده‌دار بوده، سفیدامضاء بوده، تاریخ نداشته و غیره مشمول عنوان کیفری نیست. به همین دادگاه‌ها درگیر یک سلسله مطالعات و بررسی‌ها و تحقیقات می‌شدند برای این که احراز کنند که آیا واقعاً چک مشمول ماده ۱۲ قانون صدور چک می‌باشد یا خیر؟ اگر هست که غیرقابل تعقیب کیفری است و اگر نیست تکلیف آن مشخص است. این امر باب یک کلاهبرداری جدید را در بین صادرکنندگان و دارندگان چک باز کرد. این وضعیت سال‌ها ادامه پیدا کرد و بخش عمده‌ای از اشتغالات کیفری دادگستری به رسیدگی به صدور چک‌های بلامحل تخصیص یافت و با توجه به انبوه دعاوی راجع به چک به طور مستمر به شعب ویژه آن اضافه شد. قانونگذار دوباره در مقام اصلاح موضوع برآمد. در اینجا بد نیست توضیح دهم که چرا در ایران چک این قدر تابع تحولات شده و باب دعاوی را باز کرده است؟ کشورهای دیگر چه می‌کنند؟ آیا در فرانسه که ما برخی قوانین حقوقی خود را از آنجا گرفته‌ایم وضع به همین منوال است؟

حقیقت مطلب این است که قانون تجارت ما از قانون ۱۸۰۷ فرانسه اقتباس شد و این قانون تجارت فرانسه از ۱۸۰۷ تا امروز بارها دستخوش تغییر و تحولاتی شد. قانون تجارت ایران با اقتباس از قانون تجارت فرانسه در طول زمان فاصله زیادی با آن گرفت به طوری که می‌توان گفت نه از نظر هدف، نه وسیله و نه از حیث طرز رسیدگی شباهتی بین دو قانون ایران و فرانسه مشاهده نمی‌شود. در یک مطالعه تطبیقی بسیار گذرا و سطحی این‌گونه پیداست که چک با همه کاربرد و اهمیتی که به عنوان یک سند عادی از نوع اسناد تجاری دارد ضمانت اجرای آن هم در اکثر قریب باتفاق کشورها از نوع ضمانت اجرای حقوقی و مدنی است، و این یک اصل می‌باشد. بعضی کشورها به اعتباری برای بعضی از چک‌ها که با عدم پرداخت یا مشکلاتی در پرداخت مواجه می‌شوند جنبه کیفری قائل شده‌اند ولی این امر استثناء بوده است نه اصل. در صورتی که ما می‌بینیم در قانون ایران، قانونگذار اصل را کنار گذاشته و استثناء را که جنبه کیفری داشتن چک می‌باشد تعمیم داده است، به طوری که در همه موارد چک را مشمول عنوان کیفری می‌کند. بنابراین ماده ۱۲ که برای

حفظ اعتبار چک‌های عادی و به منظور تضمین پرداخت چنین ضمانت اجرایی را وضع کرد مورد انتقاد قرار گرفت که همین امر باب دعاوی را باز کرده و دست مردم را برای صدور انواع چک‌های بلامحل تحت عناوین مشروط، معلق، وعده‌دار و یا غیره باز گذاشته است.

در سال ۱۳۷۲ قانونگذار دوباره در یک سیاست چرخشی، اصلاحاتی در قانون سال ۱۳۵۵ به عمل آورد و با عنوان «قانون اصلاح موادی از قانون صدور چک» در ۱۱ آبان ۱۳۷۲ به تصویب رساند. در ماده ۱۳ که به واقع اصلاح ماده ۱۲ قانون سابق می‌باشد آمده است:

صدور چک با عنوان تضمین یا تأمین اعتبار یا مشروط یا وعده‌دار و سفیدامضاء ممنوع است. صادر کننده در صورت شکایت ذی‌نفع و عدم پرداخت به مجازات حبس از شش ماه تا دو سال و یا جزای نقدی از یک هزار ریال تا ده میلیون ریال محکوم خواهد شد.

این ماده به معنی قائل شدن دوباره جنبه کیفری برای چک‌های سفید، وعده‌دار و غیره بود که نتیجه سوءاستفاده‌ای بود که از ماده ۱۲ قانون ۱۳۵۵ انجام گرفته بود. این چرخش قانونگذار مورد انتقادات بسیاری قرار گرفت. از جمله نخستین ایرادی که به آن گرفته شد این بود که قانون اصلاحی ۱۳۷۲ برخلاف اصل ۱۶۹ قانون اساسی است که ناظر به عدم عطف قوانین بماسبق می‌باشد. در این قانون گفته شده چک‌هایی که تا دیروز قابل تعقیب کیفری نبوده‌اند از امروز قابل تعقیب کیفری‌اند؛ یعنی کسانی که قبل از تصویب این قانون نیز این نوع چک‌ها را صادر کرده‌اند مشمول مجازات خواهند بود. ماده ۱۳ این قانون عملی را که قابل تعقیب کیفری نبوده جرم تلقی کرده و مجازات سنگینی هم برای آن مقرر کرده بعد از چند سال دوباره به جایی منتهی شد که الان می‌گویند قریب به نیمی از زندانیان کشور به خاطر صدور چک‌های بلامحل در زندان هستند و نتیجه این شد که مسأله هم از ناحیه قوه قضائیه و هم از دیدگاه نمایندگان مجلس مورد مطالعه قرار گرفت و زمزمه تغییرات و اصلاحاتی را در قانون صدور چک سر دادند. به این معنا که باید زندانیان

را آزاد کنیم و درست نیست که نیمی از زندانیان کشور برای صدور چک بلامحل در زندان باشند. همان طور که اطلاع دارید لایحه‌ای از در طرف قوه قضائیه به مجلس داده شد و با فاصله کمی از آن ۶۱ نفر از نمایندگان مجلس هم طرحی برای اصلاح قانون چک ارائه دادند.

در طرح نمایندگان مجلس مقدمه‌ای آمده که تقریباً گویا و رساست. در مقدمه این طرح آمده است که «یکی از معضلات جدی جامعه که همیشه مورد نقد و بررسی حقوقدانان و قضات و وکلا بوده و اثرات آن دامنگیر جامعه و برخی خانواده‌ها گردیده فقدان قانون منسجم در راستای حفظ اعتبار واقعی چک بوده است که در سابق قانونگذار جهت تأمین آن اعتبار، علی‌رغم مالی بودن دعاوی چک به مقررات کیفری و زندان متوسل شده است که نه تنها در اجراء موجب اعاده اعتبار آن نگردیده بلکه بار پرونده‌های کیفری قضائی را زیاد کرد، آمار زندانیان را افزونتر نموده، و تعطیلی حق طلبکاران را به بار آورده است به نحوی که در حال حاضر طبق اعلام مراجع رسمی کشور بیش از ۱۳ هزار زندانی چک در زندان‌ها به سر می‌برند که با احتساب هر خانواده چهار نفر تحت پوشش و یک نفر دارنده چک، فارغ از کارگزاران بانک و مأموران و غیره حدود ۶۵ هزار نفر درگیر مستقیم با این موضوع می‌باشند و این امر به لحاظ دربند بودن سرپرست خانواده تبعات بسیار جهت سوءاستفاده افراد کلاهبردار از ضعف بنیه مالی اشخاص فراهم کرده است. لذا بنا به مراتب و در راستای سیاست جرم‌زدایی از معاملات و امور اقتصادی افراد جامعه طرح ذیل که حاوی چهار پیام اساسی به شرح ذیل می‌باشد تقدیم مجلس محترم می‌گردد:

(۱) اعاده اعتبار واقعی چک

(۲) عدم دستیابی افراد بدون اعتبار لازم به چک‌های بدون سقف معین

(۳) قطعی بودن پرداخت وجه چک به دارندگان چک

(۴) حقوقی شدن رسیدگی به چک‌های بلامحل

لایحه‌ای هم که توسط قوه قضائیه تقدیم مجلس شده لایحه بسیار مختصر و

مفیدی است در ۱۰ ماده و هدف و پیام اصلی آن منهای جنبه‌هایی فرعی از جمله احتساب خسارات تأخیر تأدیه و هزینه‌ها و غیره که به تصویب مجمع تشخیص مصلحت نظام رسیده، چرخشی دوباره در ماده ۱۳ می‌باشد. در ماده ۳ این لایحه آمده است: «ماده ۱۳ قانون اصلاح موادی از قانون صدور چک مصوب ۱۳۷۲ حذف و ماده ذیل جایگزین آن می‌گردد: چک‌هایی که بابت تضمین، تأمین اعتبار، سفیدامضاء بدون تاریخ، وعده‌دار و یا به صورت مشروط صادر می‌گردد از نظر این قانون قابل تعقیب کیفری نمی‌باشد». پیام اصلی این لایحه که خالی شدن زندان‌ها می‌باشد در اینجاست که «ماده ۶۹۸ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵ و ماده ۲ قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی مصوب ۱۳۷۷ و مقررات مشابه در مورد جرم صدور چک بلامحل قابل اعمال نمی‌باشد».

ماده ۲ قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی راجع به این است که اگر بدهکاری نتواند پولش را بپردازد باید زندانی شود و ماده ۶۹۸ قانون مجازات اسلامی هم می‌گوید اگر بدهکار توان پرداخت پولش را نداشت باید از اموالش استیفاء شود و اگر معسر بود باید زندانی شود تا زمانی که دین خود را بپردازد. طبق لایحه مذکور گفته شده که مجازات‌های فوق در مورد چک پرداخت نشدنی قابل اعمال نیست یعنی نباید فرد زندانی شود. پس چه باید کرد؟ در این مورد «محکوم‌علیه پس از تحمل مجازات قانونی یا جزای نقدی از زندان آزاد خواهد شد. ولی تا قبل از پرداخت وجه چک و ضرر و زیان ناشی از جرم به دارنده چک، بنا به دستور دادگاه حق خروج از کشور را نخواهد داشت و ممکن است با حکم دادگاه از برخی دیگر از حقوق اجتماعی نیز محروم شود». به عبارت دیگر صادر کننده چک بلامحل به جای حبس در زندان آزاد می‌شود لیکن مجازات‌های دیگری در مورد او اعمال می‌شود. سپس اضافه می‌کند که «مقررات این ماده نسبت به کسانی که قبل از تصویب این قانون محکوم به حبس یا جزای نقدی شده و در حال تحمل کیفر می‌باشند قابل اعمال می‌باشد». یعنی اینجا قانون عطف به‌ماسبق می‌شود و دلیلش آن است که به نفع متهم و محکوم‌علیه است بنابراین تمام کسانی که به دلیل صدور چک

بلامحل در زندان هستند آزاد خواهند شد. البته این به معنای آن نیست که لایحه تنظیمی قوه قضائیه به مجلس محترم مبنی بر حذف جنبه کیفری به طور مطلق است بلکه قانونگذار متوجه شده است که اگر یک دفعه جنبه کیفری آن بردارد عواقب و پیامدهای بدی دارد و موجب سوءاستفاده برخی از افراد می‌شود. لذا برای حل آن ماده ۹ می‌گوید «ماده ۷ اصلاحی سال ۱۳۷۲ به شرح زیر اصلاح می‌گردد: هر کس مرتکب بزه صدور چک بلامحل شود به حبس تعزیری از شش ماه تا دو سال یا جزای نقدی معادل یک چهارم تا یک دوم وجه چک یا یک چهارم تا یک دوم کسر موجودی هنگام ارائه چک محکوم خواهد شد».

بنابراین جنبه کیفری هم تا حدی به جای خود باقی است. اما چهار پیام طرح نمایندگان مجلس که ادعا دارند می‌خواهند با این طرح چهار پیام به جامعه منتقل بکنند: اول این که اعتبار واقعی چک را برگردانند؛ دوم این که افراد بدون اعتبار لازم به چک‌های بدون سقف دسترسی پیدا نکنند؛ سوم این که وجه چک را به گونه‌ای تأمین بکنند؛ به عبارت دیگر به چک آن چنان قوت و اعتباری بدهند که هیچ چکی به محض ارائه به بانک برنگردد؛ و آخر این که (اگر سه پیام اول حاصل شد) جنبه حقوقی چک حفظ و جنبه کیفری آن حذف شود.

و اما پیام اول چگونه تأمین خواهد شد؟ اعتبار واقعی چک چگونه می‌تواند اعاده شود؟ برای اعاده اعتبار چک رویه بانک‌ها از اول درست نبوده است. بانک‌ها تا به حال به هرکس که به آنها مراجعه کرده دسته چک داده‌اند و برای وی حساب جاری باز کرده‌اند. در هیچ کجای دنیا این‌گونه عمل نمی‌شود. از این به بعد بانک‌ها باید برای افتتاح حساب جاری و دادن دسته چک به افراد دقت کنند و ضوابط و معیارهایی را در نظر بگیرند. به همین دلیل برخی از حقوقدانان ما به حق گفته‌اند که علت پر شدن زندان‌ها از مجرمین، قدرت اجرایی چک تجاری نیست بلکه دلیل آن نبود ضوابط و قواعد محکم افتتاح حساب جاری و دادن دسته چک به افراد فاقد صلاحیت مالی و اعتباری است. در نتیجه در تأمین پیام اول پیشنهاد کرده‌اند که بانک‌ها از این به بعد منحصراً باید برای کسانی افتتاح حساب بکنند و دسته چک

صادر کنند که از قدرت مالی و وضعیت اعتباری آنها اطمینان حاصل نمایند. حال این که معیار تشخیص صلاحیت چیست بعداً بیان خواهد شد. در همین راستا برخی از اساتید حقوق به درستی چنین گفته‌اند که «مسأله چک قبل از این که یک مشکل حقوقی باشد بازتاب بحران اقتصادی موجود در کشور است و در این شرایط به جای برخورد با معلول باید توجه مردم و دولتمردان و دست‌اندرکاران قضائی کشور را به حل مشکل اصلی و مبارزه با علت جلب کرد. بدون حل بحران اقتصادی امکان رفع مشکل حقوقی چک بی‌محل امکان‌پذیر نیست چرا که تحلیلگران با بررسی چک‌های بلامحل به این نتیجه رسیده‌اند که نزدیک به یک سوم چک‌های بلامحل ناشی از پدیده رباخواری و نزول خواری است و این بدان معناست که قوانین روشن و مشخص در جامعه در زمینه قرارداد وام و نرخ بهره وجود ندارد. مردم ناگزیرند برای برطرف کردن نیازهای کوتاه مدت و یا بلند مدت خود به بازار سرمایه آزاد روی بیاورند و گرفتار شبکه رباخواران شوند که دریافت وام و پرداخت بهره‌های سنگین و ظالمانه نیازهای آنها را جبران نماید. واضح است که در این راستا هیچ ابزاری چون چک برای این گروه از وام‌دهندگان اطمینان‌بخش نیست. در نتیجه ما باید مسأله را از دیدگاهی دیگر ببینیم و فقط صرف نوشتن جملات قانونی کافی نیست. وزارت دارایی، بانک مرکزی و بانک‌های دیگر باید بیندیشند که برای افتتاح حساب جاری و برای صدور دسته چک و دادن آن به افراد چه معیارهایی را می‌توانند در نظر بگیرند. تمکن مالی، اعتبار تجاری، اخذ وثیقه و غیره. بنابراین یکی از پیام‌ها بدین ترتیب می‌خواهد جنبه اعتبار واقعی چک را اعاده کند.

در اینجا برخی ایرادی گرفته‌اند که وارد است. آنها می‌گویند اگر قانونگذار واقعاً می‌خواهد با این طریق جرم‌زدایی نماید و با زائل کردن جنبه کیفری چک از تعداد زندانیان بکاهد این امر با مقررات دیگری در تعارض خواهد بود و آن قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی است که در سال ۱۳۷۷ به تصویب رسیده است. این قانون می‌گوید هرکس اگر امکان پرداخت بدهی‌اش را نداشته باشد باید به زندان محکوم شود. اگر شما می‌خواهید زندان‌ها را خالی کنید چرا فقط نسبت به مسأله

چک توجه می‌کنید در حالی که قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی را هم باید مدّ نظر بگیرید که عبارت «هر بدهکاری» را در خود دارد. همان طور که می‌دانیم قبل از قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی، قانونی داشتیم تحت عنوان «قانون منع توقیف بدهکاران». یعنی در تمام دنیا می‌گویند که هیچ بدهکاری را به خاطر نفس بدهی‌اش نمی‌توان به زندان انداخت و این قانون در راستای حفظ حرمت و شخصیت انسانی افراد وضع شد و سازگار با حقوق بشر می‌باشد. تصور این بود که بعد از انقلاب با اعمال قوانین اسلام اشخاص به تعهدات خود با دقت بیشتری عمل خواهند کرد ولی متوجه شدند که شماری از اشخاص نه تنها به تعهدات خود عمل نمی‌کنند بلکه به انواع و اقسام، سوءاستفاده هم خواهند کرد به عبارت دیگر وقتی بدهکاری که بدهی‌اش را نمی‌پردازد و متوجه می‌شود که عدم پرداخت بدهی هیچ عواقبی ندارد نه خسارت تأخیر تأدیه باید بپردازد (چون خلاف شرع است)، نه هزینه حق‌الوکاله باید بپردازد، نه [حق] تورم باید بپردازد و نه چیز دیگر، تشویق به عدم پرداخت بدهی‌اش می‌شود و با خودش فکر می‌کند من که الان باید ده میلیون بدهم و اگر آن را چند سالی به تأخیر بیندازم باز هم همان ده میلیون را باید پرداخت کنم در حالی که ده میلیون چند سال دیگر ارزشش به اندازه یک میلیون زمان حال می‌شود پس بهتر است الان ندهم و چند سال دیگر این وجه را پرداخت نمایم. خدا رحمت کند استاد درس اصول حقوق اسلامی ما را که می‌فرمود: قواعد اسلامی تماماً دارای پشتوانه ایمانی است، به عبارت دیگر اگر پشتوانه ایمانی را از این قواعد بگیریم این قواعد فرو می‌ریزند چون ضمانت اجرایی ندارند. یعنی ایشان می‌خواستند این طور بگویند که مسلمان واقعی و مؤمن واقعی اگر بدهکار است شب نمی‌خوابد و مدام در این فکر است که باید بدهی‌اش را بپردازد، حتی اعتقادش چنان است که اگر این بدهی بر ذمه‌اش باقی بماند در آخرت هم یقه‌اش را می‌گیرند. ولی متأسفانه امروز شماری از افراد اگر بخواهند بدهی‌شان را بپردازند خوابشان نمی‌برد و می‌گویند این تأخیر پرداخت، جزائی که ندارد، پس فعلاً نمی‌پردازم. در نتیجه وقتی قانونگذار دید که اشخاص به تعهدات خود عمل نمی‌کنند

هشدار می‌دهد که قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی را در مورد آنها اجراء خواهد کرد. به بدهکار گوشزد می‌شود که زندان خواهی رفت تا زمانی که بدهی‌ات را بپردازی، حتی اگر معسر باشی. در ماده ۶۹۶ قانون مجازات اسلامی این‌گونه آمده است که «در کلیه مواردی که محکوم علیه علاوه بر محکومیت کیفری به رد عین یا مثل مال یا ادای قیمت یا پرداخت دیه و ضرر و زیان ناشی از جرم محکوم شده باشد و از اجرای حکم امتناع نماید در صورت تقاضای محکوم له دادگاه با فروش اموال محکوم علیه جز مستثنیات دین، حکم را اجراء یا تا استیفاء حقوق محکوم له، محکوم علیه را بازداشت خواهد نمود». تبصره‌ای هم به آن ماده اضافه شد که تکلیف محکوم علیه را در صورتی که معسر باشد مشخص می‌کند. امروز دیگر قاعده «المفلس فی امان الله» نداریم و این قاعده مربوط به زمانی بود که اعتقادی وجود داشت اما حالا که اعتقادات عموماً ضعیف شده و مؤمن واقعی کمتر یافت می‌شود چنانچه محکوم علیه مدعی اعسار شود تا صدور حکم اعسار یا پرداخت به صورت تقسیط بازداشت ادامه خواهد یافت و فرد را زندانی می‌کنند. در نتیجه اینجا ما شاهد مغایرت و تناقضی بین مقررات راجع به چک با سایر مقررات ناظر بر محکومیت‌های مالی هستیم.

اما مسأله و پیام دوم طرح نمایندگان مجلس اعاده پیام چک بود، یعنی تضمین پرداخت. طراحان قانونی این ماده می‌گویند: «دارنده چک در صورت مراجعه به بانک محالاً علیه (محل دریافت وجه چک) باید در هر حال وجه آن را دریافت نماید». این جمله بسیار پر معناست یعنی این که به دارنده چک اطمینان می‌دهد که اگر چک را به بانک ارائه دهد در هر حال بانک وجه آن را به او پرداخت خواهد نمود و اگر شخص در روابط روزمره و معاملات معمولی‌اش به جای وجه نقد چک دریافت کند با علم و اطلاع از این که این چک در هر حال پرداخت خواهد شد خیالش راحت است که با مشکلی به نام چک بلامحل دست به گریبان نخواهد شد. اگر چنین باشد واقعاً می‌توان گفت که اعتبار چک به عنوان یک سند تجاری جایگزین وجه نقد اعاده پیدا خواهد کرد. اما طراحان این قانون در تبصره‌ای متذکر شده‌اند که

«چنانچه صاحب حساب پس از ابلاغ بانک بدون عذر موجه نسبت به رفع موانع پرداخت اقدام ننماید به مجازات کلاهبرداری محکوم خواهد شد». یعنی باز هم ممکن است چک به نوعی با عدم پرداخت مواجه شود و دیگر این که اگر منظور [از این طرح] حذف جنبه کیفری است [طبق این تبصره] اگر تا به حال جرم صدور چک بلامحل داشتیم از این به بعد جرم کلاهبرداری که به مراتب مهمتر از جرم صدور چک بلامحل است جایگزین آن می‌شود. به عبارت دیگر اگر صدور چک بلامحل از جرائم خصوصی و قابل گذشت بوده، جرم کلاهبرداری جنبه عمومی‌اش نسبت به چک بلامحل غلبه دارد.

نکته قابل بحث و دیگر در مورد پیام دوم طرح این است که [پیشنهاد دهندگان طرح] در آن قائل به تفکیک شده‌اند و گفته‌اند برای اطمینان از این که چک‌ها در هر حال پرداخت خواهد شد قائل به سقف بشویم یعنی این که به بعضی از افتتاح کنندگان حساب جاری چک‌هایی بدهیم و در متن چک قید کنیم که تا سقف فلان مبلغ، و آن سقف را هم با توجه به این موضوع تعیین کنیم که صاحب چنین حسابی چه مقدار برای افتتاح حساب جاری و گرفتن دسته چک وثیقه معتبر یا اعتبار مالی و یا سایر تضمین‌های لازم را نزد بانک تودیع کرده است که اگر احیاناً صاحب حساب به تعهدات خود عمل نکرد از محل آن وثائق پول را دریافت کنند. اینها همه می‌توانند به قطعی بودن پرداخت وجه چک کمک کند اما اینجا سؤالی مطرح می‌شود که آیا طراحان این قانون با چنین طرحی می‌خواهند بانک را قائم مقام دارنده چک بلامحل بکنند در جواب می‌گویند تقریباً چنین فکری داریم، یعنی به دارنده چک بلامحل اطمینان داده شود که پولش را خواهد گرفت و خود بانک متولی تعقیب چک بلامحل شد، و به دنبال صادر کننده چک بلامحل خواهد رفت و وجه چک را یا از وثائق او برداشت خواهد کرد و یا از اموالی که نزد بانک گرو گذاشته و یا از طرق دیگری که در قانون ذکر شده است.

در اینجا باز مشکلاتی وجود دارد از جمله این که فقط جای شاکی عوض می‌شود و به جای این که دارنده چک بلامحل دنبال نقد کردن طلبش باشد پول او را

می‌پردازید و بانک قائم‌مقام او می‌شود یعنی بانک عهده‌دار مسائلی می‌شود و یک اداره حقوقی عریض و طویل هم برای بانک باید در نظر گرفت با مشاورین و وکلای دادگستری که به کارهای ذی‌ربط رسیدگی کند؛ زیرا با وضعی که در این کشور شاهد آن هستیم و با آن فرهنگی که هنوز جان‌فثاده که مردم به تعهدات تجاری و مالی خود ملتزم باشند مطمئناً با این طرح و این لایحه و این سیستم نمی‌توانیم توقع داشته باشیم که ریشه جرم صدور چک بلامحل خشکانده خواهد شد و حتماً باز هم وجود خواهد داشت، لیکن فرقی در این است که از این به بعد بانک قائم مقام دارنده چک خواهد شد.

در مورد نکته و پیام اصلی طرح و لایحه که هر دو در آن اتفاق نظر دارند و هر دو یک هدف را دنبال می‌کنند و آن عبارت است از سپک کردن بار زندان‌ها و خالی کردن زندان‌ها از صادرکنندگان چک‌های بلامحل. در لایحه گفته شده که علاوه بر مجازات‌های مالی فرد ممنوع‌الخروج هم خواهد شد و از بعضی حقوق اجتماعی نیز محروم خواهد گردید که این خود مفهومی گنگ و مبهم است و باید روی آن بحث شود که منظور از محرومیت از حقوق اجتماعی چیست؟ ولی در حقوقی شدن رسیدگی به چک از دیدگاه طراحان طرح [نمایندگان مجلس] آنها به گونه دیگری عمل می‌کنند که شاید اشتباه شده باشد از جمله این که می‌گوید ما باید کاری کنیم که حتی المقدور راه کیفی بسته شود. این که بانک‌ها مکلفند به هنگام تسلیم دسته چک به متقاضیان افتتاح حساب جاری علاوه بر رعایت مقررات عمومی نسبت به احراز تمکن مالی معادل مجموع سقف چک‌های تسلیمی ۲۵ یا ۵۰ برگ و غیره اقدام کنند گو این که فکر بسیار خوبی است اما مشکلات زیادی نیز به دنبال دارد:

الف) مقرر شده است که در خصوص هر یک از کارمندان، کارکنان ادارات، سازمان‌ها، شوراها، شهرداری‌ها، مؤسسات شرکت‌های دولتی و یا وابسته به دولت، نهادهای انقلابی، بنیادها، مؤسساتی که زیر نظر ولی فقیه اداره می‌شوند و به طور کلی اعضاء و کارکنان قوای سه‌گانه، نیروهای مسلح و مؤسسات مأمور به خدمات عمومی اعم از رسمی و غیررسمی به شرط معرفی دستگاه مربوطه و تضمین میزان

مسئولیت مالی آنها. یعنی این که هر سازمانی پرداخت وجه چک کارکنان خود را تضمین بکند.

ب) در خصوص سایر اشخاص نیز شرط چنین است: سپردن وثیقه معتبر، قبول و تضمین مسئولیت مالی آنها توسط شخص ثالث معتبر (یعنی ضامن) یا شرکت‌های بیمه (یعنی خود را بیمه بکنند که هر آینه اگر چک آنها برگشت خورد بیمه وجه چک را بپردازد).

و این نکته آخر برای این خاطر نشان می‌شود که توجه خوانندگان به نقش بانک جلب شود «قبول مسئولیت مالی صاحب حساب توسط بانک مربوط با لحاظ اعتبار فعالیت‌های اقتصادی و سوابق مثبت آنها در معاملات بانکی، یعنی این که بانک هم به نوعی وارد گردونه چک‌های صادره بشود و پرداخت وجه چک را تضمین نماید.

بنابراین پیام آخر که حذف جنبه کیفری از صورت قضیه می‌باشد «قطعی نبوده و فقط سعی بر این امر است به واقع همان طور که ملاحظه می‌شود هم در ماده ۵ به مجازات کلاهبرداری اشاره کرده که جرمی عمومی و غیرقابل گذشت است و هم این که ما دوباره با موادی از قانون چک مواجه هستیم که ماده ۶ برای دستور دهنده عدم پرداخت که خلاف ادعایش به اثبات رسیده مجازات کیفری قائل شده است و در چند مورد دیگر هم اشاره دارد به این که چک می‌تواند قابل تعقیب کیفری باشد.

به عبارت دیگر این که در مطبوعات و رسانه‌ها به حذف جنبه‌های کیفری یا رسیدگی حقوقی اشاره شده است در واقع بخشی از قضیه است، و نه لایحه و نه طرح هیچ کدام در مورد چک به حذف مطلق جنبه کیفری صدور چک بلامحل اعتقاد ندارند و هر دو معتقدند که در پاره‌ای از موارد چک‌ها قابل تعقیب کیفری خواهند بود.

JOURNAL OF LEGAL RESEARCH

VOL. 1, NO. 2

2002-2

Articles

- Conscious obligations in contracts on transfer of mines
- An introduction to the principles of jurisdiction in international criminal law
- Establishment of International Criminal Court: concerns and hopes
- Restrictions on the property rights of persons in laws and regulations of municipals
- Reflection on buy-back deals in Iranian oil contracts
- The ILC's articles on responsibility of states
- Protecting privacy in an information age

Special Issue: Necessity of revising the laws relating to cheque

- History and necessity of amendment to laws relating to cheque
- Round-table on amendment to laws relating to cheque
- Conserving or deleting the penal aspect of issuance of dishonoured cheque
- Stipulations on cheque in the Egyptian Commercial Code

Critique and Presentation

- Reestablishment of Prosecutor's Office in the Iranian judicial system
- The Private Law Association of Iran
- International Institute for the Unification of Private Law (Unidroit)



S. D. I. L.

The S.D. Institute of Law
Research & Study